اکبربارکزی ۲۰۱۹/۱۰/۰۳

قرارداد "صلح" دوحه، اشتباهی که باید جلو تکرارآن را گرفت!

امروزهیأت دفترسیاسی طالبان برای نخستین بار با وزارت خارجهٔ پاکستان در اسلام آباد دیدار علنی دارند. قرار است طی سه روزآینده هیأت مذکور با مقامات مختلف پاکستانی گفتگوهائی داشته باشند که هدف آن دمیدن روح به پیکر بی جان قرارداد "صلح" دوحه است که دونالد ترمپ بتاریخ نهم سپتمبرمرگ آن را اعلان نمود. طالبان و پشتیبانان خارجی شان بخصوص روسیه و پاکستان که خود را با تکمیل قرارداد دوحه به پیروزی زیاد نزدیک می دیدند و از اقدام ترمپ ناراضی بودند، شروع نمودند به فعالیتهای دیپلماتیک و تبلیغاتی برای ازسرگرفته شدن این مذاکرات. ناتو هم اخیراً همین خواست را مطرح کرد. حضور"تصادفی" خلیلزاد در پاکستان در حین آمدن هیأت طالبان گواهی از این میدهد که امریکا هم بی تمایل نیست که تحت شرایط معین این مذاکرات را از سرگیرد. پس خطرایجاد یک قرارداد شبیه به قرارداد دوحه هنوز هم مردم افغانستان را تهدید میکند. خوشبختانه سایت خبری کابل نیوز مسودهٔ این قرارداد را رسانه ای ساخته است وما در جریان محتوی مسودهٔ این قرارداد قرار داریم و میدانیم که این قرار داد منافع ملی و امنیت وآزادی وطن ومردم ما را به خطر می اندازد. پس نباید در برابرکوششهای که برای احیای آن قرارداد میشود سکوت کنیم. باید بر تمام نکات منفی این قرارداد اعتراض کنیم. حق وطن و اکثریت خاموش را باید ادا نمود.

قبل از همه باید اذعان داشت که صلح نیاز مبرم مردم افغانستان است. خونریزی تحت هر نامی و توسط هر کسی که براه انداخته شود قابل تائید نیست و باید به آن نه گفت. فاجعهٔ حقوق بشری وکشتار مردم ملکی که با کودتای هفت ثور ۱۳۵۷آغاز یافت و تا اکنون ادامه دارد باید متوقف گردد. اما با کلوخ گذاشتن و از آب تیر شدن (کاری که خلیلزاد میکند)، نمیتوان به صلح پایدار و آبرومند دست یافت. ایالات متحده نباید با طالبان وارد مذاکرات مستقیم میشد. و یا حد اقل این مذاکرات سه جانبه می بود. یعنی طالبان و حکومت افغانستان بحیث دو طرف جنگ مذاکره میکردند و امریکا صرف در مذاکراتی که موضوعات ذیربط به امریکا و ناتو مورد بحث می بود، اشتراک مینمود. نخستین و بزرگترین اشتباه امریکا در زمینه همین مذاکرات مستقیم با طالبان بود. محصول این مذاکرات مستقیم قرار داد "صلح" دوحه بود که قبل از امضأ شدن به موجودیت اش خاتمه داده شد. هرگاه این قرار داد امضاء میشد موجب سرافگندگی برای امریکا و مایهٔ تباهی برای افغانستان بود زیرا:

الف: طالبان خود را اتباع افغانستان معرفی میکنند و جنگ و خونریزی را در داخل خاک افغانستان براه انداخته اند. از سال ۴۰۱۴ بدینسو طرف مقابل طالبان در جنگ قوای امنیتی جمهوری افغانستان است. صلاحیت تصمیم گیری در مورد این جنگ، برمبنای حقوق بین الدول متعلق به دولت به رسمیت شناخته شدهٔ افغانستان میباشد. امریکا بحیث یک ابرقدرت نباید خود را همسنگ یک گروه تروریستی میساخت ونباید آن گروه تروریستی را در سطح یک دولت (امارت اسلامی) بالا میبرد. توجه کنید به متن جملهٔ آغازین این قرارداد: " امارت اسلامی افغانستان و ایالات متحدهٔ امریکا بمنظورخروج ...".

ب: در مادهٔ اول این قرارداد:"ایالات متحده (به طالبان) تعهد میسپارد که تمام سربازان نظامی...خود را، از افغانستان بیرون میسازد." این تعهد سپردن صرف به درد التیام زخم روحی و کینهٔ بجا مانده نزد طالبان از سقوط دادن رژیم شان توسط امریکا در سال ۲۰۰۱ میخورد. و الی کی نمیداند که ایالات متحده از سال ۲۰۱۳ بدینسو در حال خروج است و میخواهد هر چه زودتر از افغانستان خارج گردد. در حقیقت طالبان با ادامهٔ جنگ ازفراهم شدن شرایط خروج عساکر امریکا جلو گیری کرده اند. در مقابل طالبان هم در مادهٔ ۲ به امریکا یک تعهد بدون پشتوانه میدهند: " امارت اسلامی همانطوری که در گذشته متعهد بود، بار دیگر تعهد میسپارد که از خاک افغانستان علیه هیچ کشورخارجی استفاده نخواهد شد." جای تعجب است که با وصف تجربهٔ ۱۱ سپتمبر، آقای خلیلزاد پذیرفته است که طالبان در گذشته متعهد به عدم استفاده از خاک افغانستان بودند!

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

ج: درماده پنجم خلیلزاد و طالبان با هم آتش بس میکنند. در حالیکه طالبان حاضر به آتش بس با حکومت افغانستان و توقف حملات خونین اش بالای مردم ملکی افغانستان نیست اما در چوکات قرارداد دوحه: "طالبان تعهد میکنند که به مجرد آغاز خروج قوا بالای عساکرامریکائی در حال خروج حمله نکنند". ودر مبادله با آن: " جانب امریکا هم تعهد می سپارد که در هنگام (چوکات زمانی ۱۴ ماهه) خروج نیرو های شان از افغانستان هیچ عملیات و بمبارد و پلان های تعقیبی را انجام نمیدهند ونه با حکومت افغانستان به همکاری نظامی اش ادامه میدهد." این بدان معنی است که طالبان طی ۱۴ ماه چوکات زمانی خروج قوا با آزادی کامل میتوانند به خشونت و حملات بالای مردم افغانستان ادامه دهند و امریکائی ها نقش بینندهٔ بی تفاوت را خواهند داشت.

د: مذاکرات بین الافغانی موضوع مادهٔ ششم این قرارداد بود. در این ماده میخوانیم:" امارت اسلامی افغانستان متعهد است که همزمان با اعلام رسمی خروج قوا از افغانستان توسط امریکا، در جهت مذاکرات بین الافغانی و افغان شمول بسرعت گام های عملی بردارد." در این ماده نامی از دولت افغانستان برده نشده است. خلیلزاد در این قسمت هم به خواستهای طالبان تسلیم شده است و موقف دولت "دوست" امریکا را کاملاً مسکوت مانده است. از جانب دیگرمتن طوری فرمولبندی شده که ابتکار اتخاذ اقدامات در جهت مذاکرات بین الافغانی به طالبان داده است. طالبان بار ها اعلام کرده اند که صرف با نیروهای مطرح سیاسی گفتگو میکنند. که در اینجا منظورشان از گروه های هفتگانهٔ ساخت پاکستان ودو حرب وحدت ساخت ایران میباشد. حال آنکه اکنون نیرو ها وشخصیتهای سیاسی-فرهنگی جوان ظهور کرده اند و تنظیمهای مورد علاقهٔ طالبان در حال پیوستن به تاریخ اند.

هـ: در مادهٔ نهم خلیلزاد در غیاب دولت افغانستان به طالبان تعهد رهائی همه زندانیان محبوس در زندانهای دولت افغانستان را میدهد که بالای شان ادعای حق العبدی وجود نداشته باشد. این عین همان متن ایست که جنگسالاران ولسی جرگه برای همدیگر در منشور بد نام عفوه گنجانیده بودند. امریکا همیشه ادعا میکرد که دولت افغانستان مستقل است. پس چرا امریکا به عوض این دولت مستقل در همه امور تعهد میکند؟
و: نظام سازی موضوع مادهٔ دهم این قرارداد است: در این ماده طالبان تعهد میکنند که پروسهٔ نظام سازی در افغانستان را همزمان با ختم جدول زمانی خروج قوا تکمیل میکنند. این ماده به روی نظام موجودهٔ افغانستان خط بطلان کشیده و به طالبان این امتیازو ابتکار را میدهد تا قبل از ختم خروج قوا برای افغانستان یک نظام جدید بسازند. معلوم نیست آقای خلیلزاد و دولت متبوع اش صلاحیت تصمیم گیری بجای مردم افغانستان را از کجا بدست آورده اند؟ افغانستان یک قانون اساسی دارد و مطابق به این قانون نظام را مردم افغانستان ساخته اند و میسازند! نه طالبان. اگربازهم مذاکرات مستقیم میان امریکا و طالبان صورت بگیرد، ولو خلیزاد مذاکره کنندهٔ آن نباشد، بازهم در ختم مذاکرات، مردم ما به همین نوع قرارداد که معنی آن توهین به مردم افغانستان است، مواجه خواهند شد. زیرا درعقب صحنه پاکستان مسیر مذاکرات را تعین میکند. پس صلاح این است که خواست مذاکرات مستقیم میان طالبان و دولت افغانستان (با وصف آگاهی از عیوب این دولت) را همگانی سازیم. امریکا صرف در بحث های ذیربط بنا به صوابدید جانبین دعوت شده میتواند.

(ختم)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ